

پایه:	۹	موضوع:	رجال
تاریخ:	۹۵/۰۳/۰۶	ساعت:	۱۰:۳۰

نام کتاب: کلیات فی علم الرجال، از مشایخ الثقات تا آخر کتاب - ۲۰۳ تا آخر

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی

۱. از دید مؤلف، مهم‌ترین اشکالی که به توثیق عام «مشایخ الثقات» وارد است و حل شدنی نیست، کدام است؟ **۲۳۳** **أ**

أ. این گروه، از ضعفاً روایت کرده‌اند **■**

ب. این توثیق عام، بر پایه حجیت خبر هر امامی‌ای که فسقش ظاهر نشده باشد، بنا شده است

ج. این مبنا در کلام هیچ‌یک از قدما ذکر نشده است

د. به تمام اشکالات به این مبنا جواب داده شده است

۲. الظاهر من الصدوق أن ما ذكره في المشيخة في آخر الكتاب **ج ۳۸۶ (ع: ۲ د: ۲)**

أ. لتصحيح نسبة الكتاب الى مؤلفه ب. لتوثيق من روى عنهم ج. لأجل تحصيل اتصال السند **■** د. لتصحيح روايات الفقيه

۳. الفرقة الزيدية على أصناف منهم ... الذين يقولون بأن الأمة أخطأت في البيعة لهما مع وجود على **خَطَأً** لا يبلغ درجة الفسق. **أ ۴۰۸**

أ. السليمانية **■** ب. التبرية ج. الصالحية د. الناوسية

۴. کدام گزینه درباره کیسانیه صحیح است؟ **ج ۴۰۵**

أ. المعتقدون بولاية محمد بن الحنفية بعد الحسن والحسين ب. هم أتباع زياد بن المنذر ويعتقدون موته وانتقال الإمامة الى أولاده

ج. المعتقدون بإمامة محمد بن الحنفية بعد أميرالمؤمنين **■** د. هم أتباع كيسان (مولی أميرالمؤمنین) ويعتقدون أنه الحي المنتظر

تشریحی

۱. مصنف، در ردّ نظریه «وثاقت مشایخ احمد بن محمد بن عیسی» به چه ادله‌ای استناد می‌کند؟ **۲۷۶**

عملکرد وی (مثل اخراج احمد بن محمد بن خالد) حاکی از آن است که وی چندان از ضعفاً روایت نقل نمی‌کرد؛ نه اینکه اصلاً از ضعیف

روایت نقل نکند (چه اینکه نقل از ضعیف، محل وثاقت راوی نیست). وی از عده‌ای از ضعفاً روایت نقل کرده است.

* لم أخرج فيه حديثاً روى عن غيرهم ... و لكن ما وقع لنا من جهة الثقة من أصحابنا. **۲۹۷**

۲. با توجه به عبارت جعفر بن محمد بن قولویه در مقدمه کتابش، به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

أ. عبارت، مستند کدام یک از توثیقات عام است؟ **توثیق مشایخ مؤلف کتاب کامل‌الزیارات (جعفر بن محمد بن قولویه)**

ب. اولین کسی که این عبارت را به عنوان توثیق عام اعلام کرد، چه کسی بود؟ **محدث نوری (در خاتمه کتاب مستدرک)**

ج. طبق این نظریه، چه کسانی را می‌توان توثیق کرد؟ **تمام مشایخ بی‌واسطه مؤلف، یعنی کسانی که در صدر اسناد قرار گرفته‌اند.**

۳. وکالت از معصوم، در چه صورت می‌تواند دلیل بر وثاقت راوی شود؟ **۳۴۵**

در صورتی که شخصی سالیان بسیار وکیل امام باشد و ذمّ و نکته‌ای منفی درباره‌اش وارد نشده باشد.

۴. مصنف، به چه دلیل، کثرت نقل ثقات از شخصی را دلیل بر وثاقت «مروی عنه» می‌داند؟ (دو دلیل) **۳۵۰**

۱. **زیرا کثرت نقل از ضعفاً از اسباب ضعف شمرده شده (مانند اخراج احمد بن محمد بن خالد از قم به خاطر کثرت نقل از ضعفاً)**

۲. کثرت نقل از شخص، دلیل بر وثاقت اوست؛ چرا که در نقل کم، ممکن است مجاز بودن نقل به خاطر علل دیگری غیر از اعتماد بر مروی‌عنه باشد (مانند هم‌سو بودن روایات دیگر) ولی در نقل فراوان، این قضیه منتفی است و باید حتماً مروی‌عنه خود ثقه باشد.

* «بل قصدت الی ایراد ما أفتی به و أحکم بصحته» و المراد من الصحة هو الحكم بوثاقة الراوی، فتكون هذه العبارة تنصيماً من الشيخ الصدوق علی أن من ورد فی اسناد ذلك الكتاب، کلهم ثقات. و لا یخفی أن استفاده ذلك من العبارة مشکل جدا، لأن الصحيح فی مصطلح القدماء غیر الصحيح فی مصطلح المتأخرین. ۳۸۱

۵. أ. با توجه به عبارت، توثیق عام مورد اشاره را تبیین کنید. ب. اشکالی را که مصنف، به این توثیق عام وارد ساخته، بنویسید.

أ. از آنجا که شیخ صدوق در مقدمه الفقیه نوشته: «هر روایتی که من آورده‌ام، صحیح است» و می‌دانیم که روایت صحیح به روایتی می‌گویند که تمام روایانش ثقه امامی باشند، لذا تمام روایانی که در این کتاب از آنها و روایاتشان نام برده شده، ثقه هستند. ب. صحیحی که مدعی این توثیق عام مطرح ساخته، صحیح عند المتأخرین است که می‌گویند: روایتی که تمام روایانش ثقه و امامی باشند، «صحیح» است. ولی نزد قدما - که صدوق نیز از ایشان است - صحیح معنایی دیگر داشته و آن را صحیح می‌گفتند که به خاطر اموری (از جمله وجود روایت در چند اصل و ...) اطمینان به صدورش از معصوم ایجاد شده باشد. پس عبارت، آن مطلب را اصلاً نمی‌رساند.

۶. مصنف، چه دیدگاهی را هنگام مواجه شدن با اسناد تعلیقی در کافی برمی‌گزیند و چه حکمی بر آن بار می‌کند؟ ۴۵۰

از آنجایی که کلینی اعتماداً بر اسناد کامل قبلی، گاهی اوقات اقدام به حذف ابتدای سند بعدی می‌کند (که به آن تعلیق می‌گویند) امثال این اخبار در واقع، مسند هستند نه مرسل. (عده ای از علما چون مجلسی و صاحب معالم به این مطلب تصریح می‌کنند.)

* ربما یروی الکلبینی معبراً بلفظ «الجماعة» او یروی معبراً بلفظ «غیر واحد من اصحابنا» یظهر من العلامة الکلباسی فی کلا التعبیرین أنه علی منوال العدة، فلا فرق بین «جماعة من اصحابنا عن احمد بن محمد» و «عدة من اصحابنا عن احمد بن محمد» ... ۴۴۹

۷. أ. با توجه به عبارت، توضیح دهید که در اسناد کتاب کافی، اگر تعبیر «جماعة من اصحابنا» باشد، آیا خللی به سند وارد می‌شود؟ ب. اولین منبع رجالی که به تبیین «عدة من اصحابنا» کلینی پرداخت، کدام بود؟

أ. علامه کلباسی و برخی رجالیون دیگر معتقدند که عبارت «جماعة من اصحابنا» نیز حکم «عدة من اصحابنا» را دارد و «عدة من اصحابنا» توسط برخی رجالیون (از جمله نجاشی و علامه حلی و محدث نوری)، و مشخص شدن تمام مصادیق آن، که مشتمل بر برخی ثقات و اجلای اصحاب است، از این بابت، خللی به سند وارد نمی‌شود و در واقع، سند در این بخش، به چند طریق تبدیل می‌گردد. ب. رجال نجاشی

۸. اگر در انتهای یک سند، به جای تصریح به نام امام معصوم علیه السلام، ضمیری ذکر شده باشد، چه معامله‌ای با آن روایت می‌شود؟ چرا؟ ۴۷۲
از آنجایی که در اکثر موارد، قرینه بر رجوع ضمیر به امام علیه السلام هست، نمی‌توان این امر را مخلّ به صحت روایت دانست؛ زیرا بسیاری از مصنفین کتب حدیثی در میان قدما و اصحاب ائمه علیهم السلام، سؤالاتی را از امام علیه السلام می‌پرسیدند. درابتدا نام امام علیه السلام را می‌بردند و در ادامه، از ضمیر «سألته» استفاده می‌کردند. هنگام انتقال فقرات بعدی به منابع بعدی، مرجع ضمیر در کلام ذکر نمی‌شد. این امر باعث به وجود آمدن روایات مضمر می‌شد.

۹. صاحب اصل یا کتاب بودن راوی، آیا دلالت بر وثاقت، مدح، صحت مذهب یا نکته مثبتی در راوی می‌کند؟ توضیح دهید. ۴۸۶

دلالت صاحب اصل یا کتاب بودن راوی بر وثاقت یا مدح یا صحت مذهب، معلوم نیست؛ زیرا بسیاری از صاحبان اصول و کتب، بر فرق فاسد متمایل شدند؛ اگرچه کتبشان قابل اعتماد بوده باشد (و این، به خاطر تفاوت در معنای صحیح نزد قدما و متأخرین است). البته می‌توان آن را کاشف از مزایای شخصیه‌ای چون ضبط و حفظ و دوری از اشتباه و نسیان دانست؛ نه در حدی که حتی مدح را برساند.